





## شرکت چاپ و نشر بین الملل

عنوان: سقیفه و خلافت

تألیف: محمدحسین خوانین زاده

مدیریت هنری: گروه هنری واژه

طراح جلد: علی باقری

صفحه آرا: سید احسان عابدی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۹۹۰-۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نوین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سعدی

جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ • نمابر: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۱۶۰۲

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۵ و ۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ • نمابر: ۰۲۱-۸۸۹۰۳۸۴۳

مرکز پخش قم: بلوار نیایش، جنب مصلی قدس

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۶۹

Email: Shchaponashr@gmail.com

nashrebynolmelal.ir

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: خوانین زاده، محمدحسین، (۱۳۷۱-)

عنوان و نام پدیدآور: سقیفه و خلافت: ترجمه و تحلیل متفاوت از روایت ابوحنبلان توحیدی/

مؤلف محمدحسین خوانین زاده؛ ویراستار بهار دانشور.

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ص: ۵/۱۴×۵/۲۱س.م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۹۹۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فینپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۸۳]-۱۹۶: همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ترجمه و تحلیل متفاوت از روایت ابوحنبلان توحیدی.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۰۰ - \*Proof of caliphate

موضوع: خلافت

Caliphate

امامت - اسلام - تاریخ

Imamate -- Islam -- History

سقیفه بنی ساعده - احادیث اهل سنت

(Saqifeh Bani Saede -- Hadiths (Sunnite)\*

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۵۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۸۰۵۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فینپا



# سقیفه و خلافت

ترجمه و تحلیلی متفاوت از روایت ابو حیان توحیدی

محمد حسین خوانین زاده



### ﴿ تقدیر و تشکر ﴾

از تمام دوستان و عزیزانی که برای به ثمر رسیدن این اثر توجیهی کردند سپاسگزاری می‌کنم. به خصوص از دانشمند بزرگوار استاد علی بهرامیان که در مسیر پژوهش و نشر، نهایت لطف را در حق من روا داشتند و عنایات ایشان در این مختصر به رشته کلام در نیاید. و سپاسگزارم از پدرم بابت تمام دقت نظرها و نکات ارزنده؛ و از دوست فاضلم جناب احمد نعمتی که با پیشنهادها و نظراتش در طول نگارش کتاب، باعث ارتقا و غنای کتاب شد. و همچنین از سرکار خانوم غیاث، بابت فرصتی که در اختیار بهبود اثر گذاشتند، بسیار ممنون هستم.

و در آخر از نشر محترم «بین الملل» کمال تشکر را دارم که از این پژوهش حمایت کرد و مایه دلگرمی شد.

# فهرست

۱۳	پیش درآمد
۱۵	فصل آغازین: مه در سپید
۲۷	گام اصلی: طوفان عربانی
۶۳	فصل میانی: زاغ کبود تاریخ
۱۴۳	فصل نهایی: غبار باران
۱۸۱	عَسَق و شَفَق: سخن پایانی؛ استنتاجات - استخراجات

## فهرست تفصیلی

۱۳	پیش درآمد
----	-----------

### فصل آغازین: مه در سپید ۱۵

**طلیعه** (سقیفه بنی ساعده و چرایی تشکیل و اهمیت آن؛ روایت ابوحنبلان توحیدی از امامت و سقیفه؛ مختصری درباره ابوحنبلان توحیدی و جایگاه ادبی و اجتماعی او؛ اهمیت پژوهش؛ مهجوریت روایت ابوحنبلان توحیدی؛ روش و پیش فرض تحقیق؛ پیش زمینه پژوهش) | ۱۵

**پیشینه تحقیق و روش ترجمه و تحقیق** (روایت ابوحنبلان توحیدی در منابع؛ تأملات و پژوهش‌ها درباره روایت ابوحنبلان توحیدی؛ جای خالی روایت ابوحنبلان توحیدی در منابع فارسی؛ روش ترجمه) | ۲۰

## گام اصلی: طوفان عربیانی ۲۷

۳۷ متن مصحح عربی ..... ۲۷

۳۸ ترجمه گفت‌وگو (آنچه ابوحنبلان در حدیث سقیفه روایت کرده است) ... ۳۸

پیش‌زمینه | ۳۸

۱. گفتار ابوبکر به ابوعبیده | ۴۰

۲. پیام ابوبکر به علی علیه السلام از طریق ابوعبیده | ۴۱

۳. پیام عمر به علی علیه السلام به واسطه ابوعبیده | ۴۸

۴. انتقال پیام از ابوعبیده به علی علیه السلام | ۵۴

۵. گفتار علی علیه السلام به ابوعبیده | ۵۴

۶. انتقال پیام توسط ابوعبیده به ابوبکر و عمر و بیعت علی علیه السلام با ابوبکر | ۵۶

۷. گفتار ابوبکر به علی علیه السلام | ۵۷

۸. گفتار علی علیه السلام به عمر | ۵۷

۹. گفتار عمر به علی علیه السلام | ۵۸

۱۰. گفتار علی علیه السلام به عمر | ۶۱

خاتمه | ۶۲

## فصل میانی: زاغ کبود تاریخ ۶۳

**تحلیل و گزارش کلی و ادبی از گفت‌وگو (خطابه و بلاغت در کلام خلفا؛ عناصر ادبی کلام**

ابوبکر، عمر و امام علی علیه السلام در روایت ابوحنبلان توحیدی؛ روایت ادیبانه و منسجم از امامت و

سقیفه بنی ساعده؛ هارمونی واژه‌ها و منطوق کلامی؛ نگاه شاعرانه؛ اتمسفر حاکم بر گفت‌وگو) | ۶۳

**نکات حائز اهمیت تاریخی و اعتقادی (توجه به بستر تاریخی؛ پرسش‌ها و مسئله‌های تاریخی؛**

مرام‌نامه و مانیفست اعتقادی سنی و شیعه در روایت ابوحنبلان توحیدی؛ یافته‌های تاریخی در

روایت ابوحنبلان توحیدی) | ۶۸

**اختلاف جدی خلفا (عدالت صحابه در فلسفه تاریخ؛ سب صحابه از منظر «جاحظ»؛ مذهب**

عثمانی در دوره امویان: تعدیل سازی «احمد بن حنبل» در مذهب اهل سنت؛ سفره پهن عدالت برای تمام صحابه؛ تطهیر ایدئولوژیک قاتل و مقتول؛ مخاصمه فرشته وار یا محو امکان وقوع ظلم بین صحابه از نگاه «هشام بن حکم» به نقل از ابوحنبلان توحیدی؛ درهم تنیدگی اختلاف عملی و گاه خونین خلفا با مسئله عدالت؛ پاک سازی تمام صحابه، به سان «کاسه داغ تر از آش شدن»؛ نظریه عدالت تمامی صحابه از منظر ناصر خسرو قبادیانی در کتاب وجه دین؛ بطلان نظریه عدالت تمامی صحابه، به سان امری بدیهی) | ۷۰

### ۳۴. اتهامات اخلاقی و اختلالات روانی از سوی ابوبکر و عمر به علی (ع)..... ۷۴

۱. خودشیفتگی، کینه توزی، خودنمایی و پرده دری | ۷۴
۲. هوای نفس و پیروی از آن | ۷۵
۳. یاهوگویی | ۷۵
۴. لجاجت | ۷۵
۵. حرص به مقام | ۷۵
۶. قدرناشناسی و ناجوانمردی | ۷۶
۷. تفرقه جویی | ۷۶
۸. خودبزرگی بینی (تکبر) و خیال بافی (واکاوی و تحلیل استفاده از واژه «خنزوانه» توسط عمر) | ۷۷
۹. بدطینتی، خواری، توطئه چینی و شرارت | ۷۸
۱۰. بهانه جویی، صداقت نداشتن، مظلوم نمایی و خود را تافته جدا بافته دانستن | ۷۸
۱۱. خوی جاهلیت | ۷۹

### ۳۵. اتهام امام علی (ع) به ابوبکر و عمر ..... ۷۹

۱. مکر، استبداد، دیکتاتوری، کودتا و اضلال مردمان | ۷۹
  ۲. نفاق و تفرقه | ۸۰
  ۳. تشکیک در صداقت ابوبکر و عمر | ۸۰
- جمع بندی** (نمونه ای از مذمت تیز و بزنده و بی پروای خلفا در کلام امام علی (ع)؛ در پاورقی: بررسی اختلاف در نقل «ابوعبیده معمر بن مثنی» از امام علی (ع) در متون تاریخی و اشاره به نگاه ایدئولوژیک به متون تاریخی؛ نمونه هایی از اختلاف و شکاف عمیق امام علی (ع) با خلفا و برخی از صحابه در کتاب نهج البلاغه؛ در پاورقی: منافق و مؤمن در میان صحابی پیامبر بر مبنای قرآن مجید؛ در پاورقی: منافق و غیر منافق در میزان اهل تسنن طبق قاعده تصویب و اصل عدالت و نظریه معذوریت اشتباه و اجتهادات صحابه؛ در پاورقی: تحلیل پارادوکس عملی نظریه پردازان

قاعده تصویب صحابه و نقد سیاست «یک بام و دو هوا»؛ در پاورقی: مأجور نبودن قاتلان عثمان و خارج شدن آنان از دین، طبق نظر اهل تسنن؛ در پاورقی: قاتلان عثمان چه کسانی بودند، درباره او چه می اندیشیدند و با او چه کردند؟؛ در پاورقی: نتایج و پیامدهای باور به عدالت صحابه؛ واکاوی حضور پدیدۀ نفاق در مجامع و مراکز مذهبی؛ تحلیل شخصیت گمراه و چرایی گمراهی و اقسام گمراهان) | ۸۰

**بیعت امام علی (ع)** با ابوبکر (بیعت با آکراه امام علی (ع)؛ کیفیت بیعت و چرایی وقوع آن؛ در پاورقی: تقویت فرضیه چندمرتبۀ بیعت گرفتن از امام به علت اختلاف های بنیادی برخی روایت ها؛ تهدید به بیعت در روح روایت ابوحنیفان توحیدی؛ انگیزه شخصی عمر برای بیعت گرفتن از امام علی (ع)؛ تحلیل احتمال قوی چندمرتبۀ بیعت گرفتن از امام علی (ع)؛ نگاه تازه «کرد علی» به بیعت امام علی (ع)؛ چرایی تأخیر بیعت کردن امام علی (ع) پس از مدت طولانی از دیدگاه عالمان اهل تسنن؛ چرایی و هدف بیعت کردن در روایت ابوحنیفان توحیدی و نهج البلاغه؛ تأثیر نحله های فکری بر روایت های متعدد از چگونگی اخذ بیعت؛ عمق تحلیل در اثر گذر زمان) | ۸۶

**ابوعبیده، امین و معتمد دو خلیفه اول** (مختصری از بیوگرافی ابوعبیده؛ ابوعبیده همیشه کاندید خلافت؛ ابوعبیده امین امت یا قدرت؟؛ وفات ابوعبیده و ناکامی از ریاست؛ واکاوی اعتماد همه جانبه به نقل از ابوعبیده در رساله السقیفة) | ۹۴

**ملامت جوانی** (سن خلفا هنگام وفات پیامبر (ص)؛ سن کم هنگام نبوت پیامبر، فضیلت یا نقصان؟؛ نظر «جاحظ» درباره سن ایمان آوردن امام علی (ع) و نقد آن از سوی «ابوجعفر اسکافی»؛ اهمیت سن در نظام قبیلگی؛ اعتراض مسلمانان و شیوخ به فرماندهی «اسامه بن زید» به علت کمی سن) | ۹۷

**خلافت، متاعی مرغوب** (بی رغبتی شرط اعطای خلافت؛ منصوص بودن یا منصوص نبودن خلافت در میان نحله های مختلف اهل تسنن؛ نظر «علی عبدالرازق» درباره خلافت پس از رسول خدا (ص)؛ نظر ابوبکر درباره منصوص نبودن خلافت، طبق روایت ابوحنیفان توحیدی؛ نظر ابوبکر درباره رغبت امام علی (ع) به خلافت؛ زهد و بی رغبتی امام علی (ع) به خلافت، به گواه تاریخ و نهج البلاغه؛ ولع سقیفه بنی ساعده به تصاحب حکومت) | ۱۰۰

**مشورتی عجیب به رسول خدا (ص)** (خواستگاران حضرت زهرا (ع)؛ جواب رد به خواستگاران معروف حضرت زهرا (ع)؛ چگونگی ازدواج حضرت زهرا (ع)؛ سن ازدواج حضرت زهرا (ع)؛ واکاوی ادعای عجیب مشورت ابوبکر به پیامبر (ص) درباره ازدواج حضرت زهرا (ع)؛ طرح برخی ادعاهای شاذ، نادر و عجیب از طرف ابوبکر) | ۱۰۶

**رضایت از امت** (تصویرسازی ابوبکر از رضایت پیامبر نسبت به امت؛ رضایت یا ناراضی پیامبر از امت بر اساس منابع تاریخی؛ بررسی سرپیچی بسیاری از صحابه و چهره های مشهور آنان از لشکر



۱۱۳ ..... ۳ خلافت پس از پیامبر

۱. **خلافت از منظر ابوبکر، عمر و علی** (خلافت و امت در دوراهی ره‌اشدگی و تکلیف معین: نظر ابوبکر و عمر درباره خلیفه پیامبر و وظیفه امت در قبال خلافت؛ قرابت ابوبکر و امام علی به پیامبر از نظر عمر؛ نقش مردم در تعیین خلیفه از نظر عمر؛ تشریح توسط مردم از منظر عمر؛ اجتهادات و تأویلات ابوبکر و عمر در امر دین؛ تشکیک امام علی در ادعاهای ابوبکر و عمر؛ دیدگاه امام علی نسبت به خلافت و انتصابی بودن آن؛ نظر «مادلونگ» درباره ماجرای «دوات و قلم» و انگیزه پیامبر) | ۱۱۳

۲. **چگونگی بیعت مردم و مشورت در امر خلافت** (ادله ابوبکر و عمر برای قبول و تصاحب خلافت توسط ابوبکر؛ نقد امام علی به ادله ابوبکر و عمر بر پایه نهج البلاغه؛ دیدگاه «مادلونگ» درباره خلیفه پس از رسول خدا؛ معنای «امامان از قریش هستند» از منظر امام علی؛ فضای متشنج حاکم برای اکتساب قدرت در سقیفه بنی ساعده؛ ادعای بی‌ربطی ابوبکر به خلافت و شواهد مخالف آن؛ در پاورقی: تحلیل و نقد جمله معروف عمر مبنی بر حفظ شر خلافت ابوبکر) | ۱۱۷

۳. **جماعت (توده) و صیانت از آن در اندیشه خلفا** (جماعت و اختلاف ناپیراکنی و اتحاد مسلمانان در کلام ابوبکر؛ مضمون مشترک «فادخل فی صالح ما دخل فیہ المسلمون» در روایت ابوحنیفان توحیدی و نهج البلاغه؛ بحثی درباره نامه ششم نهج البلاغه؛ اهمیت جماعت در کلام عمر؛ معنای جماعت و دوری از تفرقه امت در کلام علی و پیامبر؛ خطر اعراب مدینه، دستاویز ابوبکر برای حفظ جماعت مسلمانان؛ ارتداد پس از پیامبر طبق نظر اهل تسنن؛ مسئله «اهل رده»، پاشنه آشیل بر شکل‌گیری اجماع مسلمانان در سقیفه بنی ساعده؛ کودتا در سقیفه؛ نظر شیخ طوسی درباره اجماع در سقیفه) | ۱۲۲

**تهدید به بیعت و چرایی بیعت نکردن از طرف امام علی** (اتمسفر تهدید و ملامت حاکم بر امام علی در روایت ابوحنیفان توحیدی؛ دهان بسته امام علی و عهد با پیامبر؛ مظلومیت امام علی بر مبنای نهج البلاغه؛ انکار تهدید به بیعت، توسط عمر؛ ناسازگاری ادعای عمر با متون تاریخی و ادعاهای دیگر) | ۱۳۰

**ضاللت پس از پیامبر** (امکان ارتداد امت پس از وفات پیامبر بر مبنای قرآن مجید؛ شیعه و گمراهی امت پس از وفات پیامبر؛ معنای شفای غیظ در کلام امام علی) | ۱۳۶

**نژاد زرد، کسروی‌گری و قیصری‌گری در کلام عمر** (اشاره تاریخی عمر بر نژاد زرد؛ تحلیل نقد عمر از نظام کسروی و قیصر) | ۱۳۸

**بینامتنیت (متن پنهان) گفت‌وگو با نهج البلاغه** (نامه ۵۳، خطبه ۳، خطبه ۲۶، خطبه ۲۱۷) | ۱۳۸

## فصل نهایی: غُبارِ باران ۱۴۳

### ۱۴۳..... ۳ اسناد روایت ابو حیان توحیدی

۱. ابو حامد مَزورودی | ۱۴۳

۲. عیسی بن دَآب (اتهام به جعل؛ مذهب او؛ سبب تضعیف او در میان اهل سنت؛ نقد گفتار سیره‌نویسان؛ تحلیل و بی‌اعتمادی به تراجم‌نویسان در پاره‌ای از ادعاهای مبتنی بر مسائل ایدئولوژی و بنیادگرایی؛ کتاب عیسی بن دَآب با نام فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام) | ۱۴۴

۳. صالح بن کیسان (بیوگرافی و اعتبار صالح بن کیسان؛ نقدی بر «حسن سندوبی») | ۱۴۵

۴. هشام بن عروه | ۱۴۶

۵. عروة بن زبیر (جایگاه او در نقل روایت؛ عروة بن زبیر و امام علی علیه السلام) | ۱۴۷

۶. ابو عبیده بن جراح | ۱۴۸

بقیهٔ اسناد روایت ابو حیان توحیدی (حذف قسمتی از سلسله اسناد در نقل «ابن ابی الحدید»؛ اختلاف اسناد در نسخه‌های مختلف) | ۱۴۸

۱. خزاعی - احمد بن نصر خزاعی - پیرو احمد بن حنبل؛ مدافع سرسخت قدیم بودن قرآن؛ مرثیهٔ «دعبل خزاعی» برای «احمد بن نصر» | ۱۴۹

۲. ابن ابی میسره؛ ابن میسره؛ ابو محمد ابن میسره | ۱۵۰

۳. محمد بن فلیح | ۱۵۰

۴. یزید بن رومان | ۱۵۱

۵. رومان (پدر یزید بن رومان) | ۱۵۲

۶. ابوالتیاح؛ ابوالنفاح (دربارهٔ ابوالتیاح؛ بیان دو نکتهٔ حائز اهمیت) | ۱۵۲

**مذهب و مسلک ابو حیان توحیدی** (سه دیدگاه مختلف مخالف، موافقت و توقف در قبال ابو حیان توحیدی؛ نظرات مخالفان و موافقان ابو حیان توحیدی؛ چرایی اتهامات به ابو حیان از نظر «کرد علی»؛ معرفی تحقیقی مستقل و غیرمقلدانه از زیست فکری ابو حیان توحیدی؛ تشکیک در سیره‌نویسی و تأثیر «عامل مذهبی»؛ مذهب و اعتقادات ابو حیان توحیدی بر مبنای واضحات تاریخی و آثار او؛ معقول نبودن سندسازی ابو حیان توحیدی علیه امام علی علیه السلام؛ موضع‌گیری ابو حیان توحیدی دربارهٔ شیعه، شیعیان و ائمهٔ آنان؛ نگاه افراطی به ابو حیان توحیدی؛ موقعیت زمانی و مکانی زندگانی ابو حیان توحیدی) | ۱۵۲

**جمع‌بندی اعتبار و اسناد حدیث** (اثبات و ردّ روایت بر مبنای اسناد حدیث؛ حضور مخالفان و

موافقان امام علی علیه السلام در سلسله سند؛ نقد نگاه صفر و صدی به گفتار ترجمان نویسان؛ نظر پایانی درباره اعتبار حدیث) | ۱۵۸

**دیدگاه و دلایل ابن ابی الحدید و دیگران درباره ساختگی بودن گفت و گو** (خلاصه دیدگاه مخالفان در چهار دسته) | ۱۵۹

**مهم ترین ادله قائلین به ساختگی بودن گفت و گو** | ۱۶۰

**نظر و دلایل ابن ابی الحدید بر ساختگی بودن گفت و گو** | ۱۶۰

**نظر ابن حجر عسقلانی** | ۱۶۲

**نظر حسن سندوبی و نوری جعفر** | ۱۶۲

### 🔴 **نظر دیگر مخالفان** ..... | ۱۶۳

۱. **ابراهیم کیلانی** | ۱۶۳

۲. **عبدالحسین امینی** | ۱۶۴

**انگیزه جعل** (مخالفت با شیعه و ائمه آنان، انگیزه جعل ابوحنیان توحیدی از نگاه مخالفان؛ دیدگاه‌های مختلف درباره جعل روایت توسط ابوحنیان توحیدی و انگیزه آن در بیان «نوری») | ۱۶۴

**نقل اعتراف به جعل** (اعتراف به جعل توسط ابوحنیان توحیدی در کتاب میزان الاعتدال و سیر اعلام النبلاء؛ چرایی نسبت دادن زندقه به ابوحنیان از طرف مخالفان، در تحلیل «مطلاوی»؛ وضعیت ممنوعیت ذکر اختلافات صحابه از منظر اهل سنت در کتاب الجمل مفید؛ نظر «ابن بطه عکبری» درباره ذکر اختلافات صحابه) | ۱۶۶

**جمع بندی** (چرایی تعبیر به نامه درباره روایت ابوحنیان توحیدی و نام‌گذار آن؛ علت نام‌گذاری گفت و گو به «سقیفه») | ۱۶۸

### 🔴 **بررسی و نقد آرای ابن ابی الحدید و هم‌فکران او** ..... | ۱۷۰

**همخوانی یا همخوانی نداشتن اسلوب روایت ابوحنیان توحیدی با کلام ابوبکر، عمر و امام علی علیهم السلام** (مقایسه ادبی نثرهای خلفا با روایت ابوحنیان توحیدی؛ شباهت نامه عمرو بن عاص

به نثر روایت ابوحنیان توحیدی؛ داوری درباره اسلوب روایت ابوحنیان توحیدی و مقایسه آن با نثرهای صدر اسلام؛ نقد برخی از اشکالات ساختاری و محتوایی «نوری جعفر» به روایت ابوحنیان) | ۱۷۰

**انگیزه و امکان عقلی و وقوعی جعل از طرف ابوحنیان توحیدی** (ارتباط انگیزه جعل و روایت آن برای «مهلبی»؛ معقول نبودن جعل توسط ابوحنیان توحیدی، انگیزه و امکان جعل توسط بقیه راویان روایت؛ اشکالات مربوط به نقل اعتراف ابوحنیان توحیدی به جعل) | ۱۷۳

**علت انحصار روایت از طریق ابوحنیان توحیدی** (خفقان سیاسی امنیتی، عامل احتمالی برای انحصار روایت به نقل از ابوحنیان توحیدی؛ نبود روایت در منابع شیعی، شاهی دیگر بر جعلی نبودن) | ۱۷۷

جمع‌بندی نقد نظرات مخالفان روایت ابوحنیان توحیدی (امکان اخذ روایت به مضمون توسط

ابوحنیان توحیدی: روایت ابوحنیان توحیدی به نفع شیعه و امام علی علیه السلام) | ۱۷۸

عَسَقَ و شَفَقَ: سخن پایانی؛ استنتاجات - استخراجات ۱۸۱

منابع فارسی | ۱۹۵

منابع عربی | ۱۸۳

## پیش درآمد

چشمانم کم سو است،  
با این همه می بینم که بیماری،  
تمام کشور بستر مرگ توست  
و تو در آن به بیماری بدنامی خفته‌ای.

(شکسپیر - ریچارد دوم - ۱۳۶۷ ش: ۸۲)



نگارنده سطور، هنگامی این کلمات را می نویسد که با راوی - ابوحنان توحیدی - روایتِ غریب و مغفول مانده و مظلوم، احساس قربت و غرابت می کند و همچون اول شخصِ شخصیتِ داستان - امیر المؤمنین علی علیه السلام - دست خود و مردمان را از عروس هزار داماد، کوتاه می بیند و آن را سرایی بیش نمی پندارد. با این نگرش دست به قلم برده و برحسب ظن و اطمینان خود، بی طرفانه از زاویه دید علمی - تاریخی و روان کاوانه - به مهم ترین رویداد تاریخ و مه آلود تاریخ مسلمانان می نگرد و یافته ها و یافته های خود را به اشتراک خواهران و برادران انسانی خود می گذارد و تلاش می کند تا روزه ای برای هم نسلان زمانه خود ایجاد کند. نگارنده سطور، از سهل انگاری ها و ساده اندیشی های صلح طلبانه خام - که خود صلح طلب است - بسیار رنج می برد و ساده لوحانه می پندارد که بخواهیم ریشه این همه برادرکشی و نفرت و خشم مسلمانان را در چهارده قرن گذشته نادیده بگیریم و با حذف مسئله اختلاف های بنیادین امت و سران اسلامی، مسئله را حل شده بپنداریم و خود را به خواب هزاران ساله فرو ببریم و نقطه سر سطر.

باید مطمئن بود با تطهیرها و توجیه های ناشسته و اظهار تجاهل، هیچ مسئله ای حل نمی شود. باید دانست، دانستن حقیقت تلخ، به از خیال خام خونین است. با آن که دغدغه ریشه ها دارد، باید عقد اخوت و دوستی بست

و اگر در ادامه اختلافی باقی ماند، همدیگر را همان طور که هستیم، مهرورزانه بپذیریم و پس از آن، تمام حقیقت طلبان «مخالف پندار»، دست دوستی به هم دهیم و اختلافات را در پستوی خانه نهان کنیم و با اشتراکات انسانی، عاشقانه زندگی کنیم. نه آنکه نادانسته و جاهلانه بر «اضغاث احلام» و خیال‌های خام و گسستنی - از روی جهل - ساختار بنیان نهیم و عقده‌ها گره زنیم و هر روز آب در هاون بکوبیم و روز از نو، روزی از نو.

چندین دهه پیش، جد مادری‌ام از «معاویه» سخن‌ها گفته بود و الحق که او نه طالب بحث‌های فرقه‌ای بود و نه دوستار بحث‌های اختلافی، نه متحجر بود و نه تک‌بُعدی، هنر را می‌شناخت و روشنفکر بود و اهل وحدت و دوستی و همنشینی. اما سخن‌نگفتن از معاویه را به صلاح اتحاد مسلمانان نمی‌دانست. نمی‌توانست با فکر برادرکشی و سلطنت‌طلبی «ماکیاولی»، دست دوستی دهد و چشم فروبندد بر تمام بدی‌ها و بگوید که «إن شاء الله خیر است».

خدای محمد ﷺ را گواه می‌گیرم، ابتدا مطالبی را نوشتم یا برای نوشتن در ذهن پردازش کردم؛ ولی به خاطر نگرش فقط و فقط علمی و تمسک به اصل «بی‌غرضی» و شواهد مشترک میان متون تاریخی؛ صرف نظر کردم و مطالب را خام گرفتم و حاشیه‌ها، سخنان و تحلیل‌ها را مصادره به مطلوب نکردم و در کلیات و ادعاهای بنیادین و داده‌های اصلی متن، به متون مشکوک برخی برادران، استناد نکردم و به مشترکات روح تاریخی که نشان از صداقت آن دارد، بسنده کردم. همچنین اگر از فاطمه و علی علیهما السلام با احترام سخن گفته‌ام، به ناچار روح مشترک مسلمانی بوده است و بازهم بر واضحات، تکیه و اطمینان کرده‌ام و در داورِ گزاره‌های مدنظر و اصلی، تأثیری نگذاشته است. اگر در برخی از جزئیات بسیار اندک، به منابع دست‌اول غیراتفاقی (میان مسلمانان) ارجاع داده‌ام، از جهت علمی به ماهیت و رکن و بن‌مایه متن و استدلال‌ها، هیچ خللی وارد نمی‌کند.

سلام بر هر آن‌که سلام خواهد

محمد حسین خوانین‌زاده، تهران/۱۴۰۱

## فصل آغازین: مه در سپیده



آقایانِ شعله‌ور از خشم، تحت حکم من باشید،  
بباید این خشم را بدون خونریزی فرو بنشانیم.  
من پزشک نیستم؛ اما تجویزمان این است.  
کینهٔ ژرف، شقاق ژرف به بار می‌آورد،  
فراموش کنید، ببخشید، ختمش کنید و صلح و صفا به میان  
آرید،  
طبیبانمان می‌گویند این ماه، ماه حجامت نیست.

(شکسپیر-ریچارد دوم- ۱۳۶۷ ش: ۳۴)

### طلیعه

سقیفهٔ بنی ساعده، اولین و مهم‌ترین رخداد مسلمانان بی‌رسول خدا ﷺ است که بنا بر روایت‌های مشهور اهل تسنن، پس از وفات (روز وفات) پیامبر اکرم ﷺ، یعنی در روز دوشنبه (۱۲ ربیع‌الاول ۱۱۰۱ ق.)، زیر مُسَقَّف - سایه بان - بنی ساعدهٔ خزرجی برقرار شد و با نقش محوری عمر بن الخطاب، ابوبکر بن ابی قحافه به عنوان خلیفهٔ مسلمانان پیشنهاد شد و پس از بیعت گرفتن از مسلمانان، به عنوان خلیفهٔ مسلمانان، شناسانده شد (طبری، ۱۹۳۹ م: ۲؛ ۴۵۵ و ۴۵۶).<sup>۱</sup> و بنا بر روایت‌های مشهور شیعی، این رویداد در دوشنبه (۲۸ صفر ۱۱۰۱ ق.)، روز وفات پیامبر اکرم ﷺ، رخ داده است (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱؛ ۱۸۹).

۱. ابوبکر بن ابی قحافه به ظاهر خلیفهٔ مسلمانان بود؛ ولی به گواهی تاریخ، حاکم واقعی، عمر بن الخطاب بود (مندلاوی، ۲۰۱۸ م: ۳۶).

هدف این رویداد، استیلای انصار بر خلافت مسلمانان بود (خلیفه، بی تا: ۸۵)؛ ولی سرانجام گروه مقابل، یعنی مهاجرین خلافت را تصاحب کردند. در نظر «عبدالفتاح عبدالمقصود»، رویداد سقیفه به معنای کامل کلمه، قضیه‌ای انسانی است که نمی‌توان از آن غافل بود و همیشه باید بدان اهتمام ویژه‌ای داشت؛ زیرا در آن، انواع سلوک بشری وجود دارد که نفوس بشری عاری از آن نیست و از امیال بشری، پرده برمی‌دارد. همچنین او واقعه سقیفه را چندان با اهمیت می‌داند که از منظر او، با گذشت قرن‌ها، همیشه سبز است (و برگ می‌دهد)، مانند درخت کاکتوس!! و با گذر زمان تجدید می‌شود و تازگی آن کهنه نمی‌شود. در اهمیت آن همین بس که مسلمانان را به دو فرقه (شیعه و سنی) تقسیم کرد (عبدالمقصود، بی تا: ۲۹ و ۳۰). به اعتقاد مادلونگ، اسلام‌شناس برجسته آلمانی و استاد دانشگاه آکسفورد، در تاریخ، هیچ واقعه‌ای عمیق‌تر و ماندنی‌تر از مسئله جانشینی حضرت محمد ﷺ موجب تفرقه در اسلام نبوده است (مادلونگ، ۱۳۷۷ش: ۱۴).

روایت ادیبانه ابوحنیان توحیدی از سقیفه، نمونه نزاع سنی و شیعه در عصر بنو بویه (آل بویه) است (کیلانی، مقدمه کتاب ثلاث رسائل لأبی حیان التوحیدی، ۱۹۵۱م: ۸). ابوحنیان، روایتی یگانه را نقل می‌کند که بنا بر گفته او از استادش، ابوحامد مروودی است. این روایت درباره امامت (خلافت) و ماجرای سقیفه بنی ساعده و بعد از آن است که پیغام‌ها و گفت‌وگوهای میان ابوبکر بن ابی قحافه و ابوعبیده جراح و عمر بن خطاب و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ردوبدل می‌شود.

بنا بر مشهور، ابوحنیان توحیدی متولد (۳۱۰ق) و متوفای (۴۱۴ق) است (کیلانی، مقدمه کتاب رسالة الصداقة والصدیق، ۱۹۶۴م: و-ح). او در (۳۱۰ق) در بغداد از پدر و مادری فقیر متولد شد و بدان جهت که پدرش فروشنده نوعی از خرما بود که به آن «توحید» گفته می‌شد، «توحیدی» خطاب می‌شد (کیلانی، بی تا: ۲۸). در اصالت او تردیدهایی وجود دارد. برخی او را شیرازی الاصل و برخی نیشابوری و برخی واسطی می‌دانند (سندوی، مقدمه و بخش اول کتاب المقابسات، ۱۹۲۹م: ۸). او در تمام علوم از نحو، لغت، شعر، ادب، فقه و کلام، دستی بر آتش داشت و معتزلی بود و از مسلک جاحظ پیروی می‌کرد.



او شیخ صوفیه و فیلسوف ادیبان و ادیب فیلسوفان محسوب می‌شد (یاقوت حموی، ۱۹۹۳م؛ ۵: ۱۹۲۴). همچنین از نظر احمد امین مصری، به حق او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند (امین، مقدمه الإمتاع والمؤانسة، ۱۹۶۲م؛ ۲۳۸). شخصیت ابوحیان از دو استادش «ابوسعید سیرافی» و «علی بن عیسی رمانی» بسیار تأثیر پذیرفته است و بسیار ملازم و شیفته استاد فقه شافعی خود، قاضی «ابوحامد مروردی» بوده است (کیلانی، بی تا؛ ۲۹ تا ۳۴). او در دوره‌ای مجهول و کوتاه، به وزیر «ابومحمد حسن بن محمد مهلبی» (۲۹۱-۳۵۲ق. وزیر معزالدوله در عصر آل بویه) نزدیک شده است (همان: ۳۸) و بعد از چندی به خاطر سوء عقیده (از نظر مهلبی)، از درگاه وزارت رانده شده است (ذهبی، ۱۹۶۳م؛ ۴: ۵۱۸).

برخی همچون ابن نجار و یاقوت او را مدح کرده‌اند و ستوده‌اند. برخی بر او طعن زده‌اند و همچون ذهبی و ابن فارس او را بدعقیده و کذاب و کم‌دین و اهل بدگویی و بهتان پنداشته‌اند. همچنین ابن جوزی سه نفر را از زنادقه اسلام می‌شمارد که در کنار او، نام ابن راوندی و ابوالعالی معری را اضافه می‌کند و ابوحیان را به جهت نفاق و مجامله‌اش، بدترین آنان در اسلام می‌داند (سندی، مقدمه و بخش اول کتاب المقابسات، ۱۹۲۹م؛ ۱۰ تا ۱۶). او کسی بود که در میان امت عربی فقط بر «عمر بن خطاب» و «جاحظ» و «حسن بصری» رشک می‌برد (همان: ۵۲-۵۴) و شیفته «جاحظ» و «ابوحنیفه دینوری» و «ابوزید احمد بن سهل بلخی» بود و آنان را یگانه دهر می‌دانست، همچنین از نظر او جن و انس را یارای نوشتن فضایل و مدح آنان نیست (همان: ۵۸ و ۵۹).

ابوحیان به خاطر کمبودها، محرومیت‌ها و ناکامی‌های زندگی خود، به تعبیری؛ از عقده‌ها و حقارت‌های (مرگب النقص) بسیاری رنج می‌برد و این مسئله در آثار او نمود خارجی پیدا کرده است (کیلانی، مقدمه کتاب رساله الصداقة والصدیق، ۱۹۶۴م؛ ن) و از او شخصی دو قطبی (مزدوچه، پارادوکسیکال) ساخته است (کیلانی، بی تا؛ ۵۸، صباح، ۱۹۹۰م؛ ۴۴).

به عقیده برخی از محققان عرب، ابوحیان توحیدی یکی از سه پیشگامان (در کنار جاحظ و حلاج) تجدد و نوگرایی عرب محسوب می‌شود (لاذقانی، ۱۹۹۸م؛ ۱۴). همچنین او کتاب‌های مهمی همچون البصائر و الذخائر،

المحاضرات و المناظرات، الإمتاع و الموائسة، المقابسات، مثالب (اخلاق) الوزیرین و الصداقة و الصدیق را نگاشته است.

فارغ از آنکه استناد این روایت تاریخی چقدر پذیرفته شده و محکم است (در بخشی جداگانه بدان می پردازیم)، این روایت اهمیت بسیار زیادی دارد و اهل تحقیق آن چنان که باید به این روایت توجه نکرده اند و درباره اش بررسی و واکاوی نکرده اند؛ در نتیجه این روایت مغفول مانده است. زیرا در خلال این روایت و گفت و گو، از واقعیت ها و تصویرها و تصوره های تاریخی ای پرده برداشته می شود که دست کم محتوای آن، باور بسیاری از بزرگان و مردمان قرون ابتدایی جامعه اسلامی - عربی بوده است که لابه لای تاریخ، برخی از قدرتمندان و تاریخ نگاران، درصدد محو کردن آن برآمده اند و در این راستا، تلاش های بسیاری کرده اند.

این روایت مهم تاریخی، به جهت آنکه - در ماهیت - نزدیک به روایت شیعی از جریان سقیفه بنی ساعده و خلافت بعد از پیامبر و تنازعات میان شخصیت های مهم و برجسته صدر اسلام است، اهمیت دارد و در این روایت، نکات تاریخی و اعتقادی متعدد و درخور تأملی وجود دارد که می توان هر کدام را به طور جداگانه بررسی کرد و در حدّ وسیع پژوهش، در بخشی جداگانه بدان پرداخته شده است.

این روایت علاوه بر فاخر بودن در متن، در ارائه دلایل متخاصمان، استدلالی است و در انسجام نسبتاً کامل و طولانی و بیان جزئی مباحث اختلاف و شکاف زیاد میان اندیشه و عمل خلفای پس از رسول خدا ﷺ که کلیت آن در منابع اصیل دیگر هم آمده است، جای درنگ کردن دارد و بی نظیر و شگرف است و در اندک مواردی از گزاره های تاریخی، مسائل جزئی جدیدی را مطرح می کند. از نظر نگارنده، در این گفت و گو، محکم ترین دلایل و تمام آنچه که می توان برای توجیه و تظہیر و مشروعیت بخشی به خلافت غیر علی (علیه السلام) - خلفای سه گانه (ابوبکر و عمر و عثمان) اهل سنت - آورد، بر زبان ابوبکر و عمر خلاصه شده است و حتی اگر متن آن، اعتبار تاریخی نداشته باشد، باز هم نمی توان از این استدلال ها و گزاره های واقع در محاجه های اهل سنت، غافل بود و آن ها را انکار کرد.

در این تحقیق درصدد بیان و تحلیل اما و اگرهای جامع و گسترده و تحلیل امامت و خلافت در میان فرق اسلامی نیستیم و به ترجمه و بررسی و واکاوی نحوه روایت ابوحنبلان توحیدی و تحلیل همه جانبه فرادیدگاهی و فرامذهبی خاص، بسنده می‌کنیم. این روایت، روایتی منحصر به فرد است و راوی آن فقط ابوحنبلان توحیدی است. همچنین این روایت در هیچ منبع شیعی و سنی موجود دیگری، دیده نمی‌شود. روایتی که از نظر و گمان بسیاری نویسندگان متقدم و متأخر، همچون ابن ابی الحدید (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷م: ۱۰: ۲۸۵ تا ۲۸۷)، ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۹۷۱م: ۷: ۳۸ و ۳۹)، حسن سندویبی (سندویبی، مقدمه کتاب المقابسات، ۱۹۲۹م: ۴۰-۴۴)، ابراهیم کیلانی (کیلانی، مقدمه کتاب ثلاث رسائل لأبی حیان التوحیدی، ۱۹۵۱م: ۸)، احسان عباس (عباس، ۱۹۸۰م: ۱۴) و عزت سید احمد<sup>۱</sup> (سید احمد، مقدمه کتاب من رسائل ابی حیان التوحیدی، ۲۰۰۱م: ۱۶۶)، مبنای تاریخی صحیحی ندارد و فقط ساخته و پرداخته ذهن شخص ابوحنبلان توحیدی یا بافته و جعل غیر او است.

شاید مهجوریت این روایت، ناشی از شخصیت مغفول مانده و درگیر ابوحنبلان توحیدی با صاحبان قدرت بوده است.<sup>۲</sup> همان طور که احمد امین در تحلیل شخصیت او می‌گوید:

او از کسانی است که زندگانی پر مشقتی داشت و در بدبختی و سختی زندگی می‌کرد و در نزدیک شدن به صاحبان مکتب و مال و قدرت (همچون «ابن عمید»، «صاحب بن عباد»، «ابن شاهویه» و «ابن سعدان»)، ناکام ماند. او حتی پس از مرگ هم حظ و بهره‌ای نبرد (و معروف نشد) و همان طور که یاقوت تعجب می‌کند، ترجمه احوال او در میان آثار مورخان بزرگ، ذکر نشده است. همچنین وقتی او دید که با تألیف آثار خود به هدفش نرسیده است و مردم، آثار او را قدر ندانسته و ناسپاسی کرده‌اند، در آخرین ایام زندگانی خود تمام کتاب‌هایش را سوزاند. و سیوطی گفته است: «شاید نسخه‌های تصانیف

۱. به تعبیر او؛ «الحوار بطبیعة الحال افتراضی لم یکن فی الأصل» (سید احمد، ۲۰۰۱م: ۱۶۶).

۲. همان طور که سبب تألیف «مثالب الوزیرین» هم به نوعی، انتقام گرفتن از برخی صاحبان قدرت بوده است.

ابوحیان توحیدی که اینک در دسترس است، در زمان حیاتش نوشته شده و قبل از سوزاندن، منتشر شده است.» (امین، مقدمه الإمتاع والمؤانسة، ۱۹۵۳م؛ ج: ۱، د:).

گرچه محمد عماره در برداشت سیوطی از سوزانده شدن کتاب‌های ابوحیان تشکیک می‌کند و این گزاره را ناشی از سوء برداشت سیوطی می‌داند و شهرت این اشتباه تاریخی را ناشی از تکرار این برداشت غلط از سوی پسینیان، ذکر می‌کند (عماره، ۱۹۹۷م: ۳۰ تا ۳۴).

در این پژوهش، فارغ از راستی یا نادرستی روایت ابوحیان (بدان هم در حد وسع پژوهش می‌پردازیم)، به دنبال گم‌شده تاریخ سقیفه هستیم تا بتوانیم با مطرح کردن روایتی مغفول مانده، اما مستفیض المعنی و تأمل بر بخش‌های آن و شناساندن آن به محققان فارس زبان، روزه‌ای را برای تحقیقات بعدی ایجاد کنیم. هدف این پژوهش، دامن زدن به اختلافات مذهبی و کلامی نیست و نگارش آن فقط برای تبیین مجهولات تاریخی است که در خلال آن بدون تعصب با نگاهی صرفاً علمی و نه فرقه‌ای و اعتقادی، درک صحیح‌تری را نسبت به دیدگاه خلفا نسبت به یکدیگر و تاریخ سقیفه-امامت داشته باشیم تا با این تبیین تاریخی بتوان پیش‌زمینه صحیح و عمیقی را برای بحث‌های دیگر تاریخی و کلامی و ادبی ایجاد کرد.

### 🔗 پیشینه تحقیق و روش ترجمه و تحقیق

این گفت‌وگو در کتاب‌های مختلفی چاپ شده است. از جمله کتاب‌هایی که این گفت‌وگو را در خود گنجانده‌اند و ما بدان دست یافته‌ایم، به ترتیب قدمت عبارتند از:

✱ المسامرات والمحاضرات، ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق)، جزء دو؛ ص ۷۷ تا ۸۳. ابن عربی پس از نقل روایت ابوحیان، به شرح واژگان دشوار می‌پردازد، از ص ۸۳ تا ۸۷. همچنین نیک است که بدانیم شرح واژگان ابن عربی از دقت بسیار خوبی برخوردار است و شارح، به خوبی به فرهنگ‌های لغت اصیل و معانی اصلی، مجازی، کنایی و استعاره‌ای واژگان، احاطه و اشراف دارد.